

Comparison of the Derivational Affixes in the Bakhtiari Dialect of Chahar-Lang with The Derivational Affixes in Persian

Sahar Mohammadian¹

Abstract

The study and analysis of linguistic varieties is important not only for preserving a language or dialect, but also for preserving a nation's history and culture. On the other hand, examining dialect morphology and extracting derivational affixes can be useful in equating foreign words in modern languages. The Bakhtiari dialect is a descendant of Middle Persian and Old Persian. This dialect contains a large number of words with derivational affixes that are no longer used in modern Persian. The goal of this study is to examine the derivational affixes of the Bakhtiari dialect of Chahar-lang using a descriptive-analytical approach and compare them to derivational affixes in Persian. Therefore, In the present study, the derivational affixes of the Bakhtiari dialect of Chahar-lang extracted from *the Dictionary of the Bakhtiari Dialect of Chahâr-Lang* by Sarlak (2002) and compared with the derivational affixes of Persian extracted from the book *The Derivational Structure of Word in Modern Persian* by Kalbasi (2008), and then conformity, non-conformity, and significance were checked using the SPSS program. The results show that when the derivational affixes of the Bakhtiari dialect of Chahar-lang are compared to Persian derivational affixes, 35.8% non-conformity, 32.9% conformity, and 31.3% significance are observed. It is worth noting that the derivational affixes of Bakhtiari dialect, which are not found in Persian, can be used to equate foreign words in Persian.

Keywords: The Bakhtiari dialect of Chahar-lang, Persian, morphology, derivational affixes.

¹ Ph.D. in Linguistics, Department of Linguistic, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran saharmohammadian1396@gmail.com

مقایسه وندهای اشتقاقی گویش بختیاری چهارلنگ با وندهای اشتقاقی زبان فارسی

سحر محمدیان^۱

چکیده

بررسی و تحلیل گونه‌های زبانی نه تنها در حفظ یک زبان و یا گویش امری مهم تلقی می‌شود، در حفظ تاریخ و فرهنگ یک قوم نیز حائز اهمیت است. از سوی دیگر بررسی ساخت‌واژه گویش‌ها و استخراج وندهای اشتقاقی در معادل‌سازی واژه‌های بیگانه زبان‌های امروزی حاضر اهمیت است. گویش بختیاری بازمانده فارسی میانه و باستان است. این گویش دارای واژه‌های بسیار غنی است که وندهای اشتقاقی آن در فارسی امروز مهجور گشته‌اند. هدف از این پژوهش با اتخاذ روشی توصیفی-تحلیلی، بررسی وندهای اشتقاقی گویش بختیاری چهارلنگ و مقایسه آن با زبان فارسی است. از این‌رو در پژوهش حاضر وندهای اشتقاقی گویش بختیاری چهارلنگ که برگرفته از کتاب *واژه‌نامه گویش بختیاری چهارلنگ* سرلک (۱۳۸۱) استخراج شده و با وندهای اشتقاقی زبان فارسی مستخرج از کتاب *ساخت اشتقاقی واژه در فارسی امروز* کلباسی (۱۳۸۷) مقایسه شده‌اند و سپس مطابقه و عدم مطابقه و معناداری از طریق برنامه SPSS بررسی شده‌است. یافته‌ها نشان می‌دهند، در مقایسه وندهای اشتقاقی گویش بختیاری چهارلنگ با زبان فارسی، ۳۵/۸ درصد عدم انطباق، ۳۲/۹ درصد انطباق و ۳۱/۳ درصد معناداری مشاهده می‌شود. لازم به ذکر است، وندهای اشتقاقی گویش بختیاری که در زبان فارسی یافت نشده‌اند، می‌توانند در فرآیند معادل‌سازی واژه‌های بیگانه در زبان فارسی مورد استفاده قرار گیرند.

کلیدواژه‌ها: گویش بختیاری چهارلنگ، زبان فارسی، ساخت‌واژه، وندهای اشتقاقی

۱- مقدمه

زبان و گویش یک قوم آینه‌ای از تمدن فرهنگ آن قوم است. یکی از دغدغه‌های زبان‌شناسان حفظ و نگهداری گویش‌ها و زبان‌های جهان است که امروزه شاهد رو به زوال بعضی از گویش‌ها هستیم. در نتیجه تحلیل گونه‌های زبانی امری مهم نه تنها در حفظ و نگهداری یک زبان و یا گویش است، بلکه در حفظ

^۱ دکتری زبان‌شناسی، گروه زبان‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

تاریخ و فرهنگ یک قوم نیز حائز اهمیت است. یزدانی و کاظمی (۲۰۱۹) معتقدند از آنجا که گویش‌ها بیانگر فرهنگ، آداب و رسوم یک منطقه و شاید تاریخ فراموش شده آن منطقه است، برای مطالعه ضرورت و اهمیت خاص دارند. به مرور زمان و به دلایل مختلف از جمله با حضور رسانه‌های مختلف، بسیاری از این گویش‌ها در معرض فراموشی قرار خواهند گرفت. جمع‌آوری، پردازش و بررسی گویش‌ها از نظر زبان‌شناسی، می‌تواند از فراموش شدن و نابودی آنها، جلوگیری کند. ساختار واژه‌ها مهم‌ترین بخش زبان است، زیرا تاریخ، فرهنگ و تمدن یک قوم در آن تجلی می‌یابد. به عبارتی دیگر می‌توان تغییرات فرهنگی، تاریخی قوم‌ها را در تغییرات ساخت‌واژی مشاهده نمود. علاوه بر موارد مذکور، بررسی و استخراج ریشه‌ها و وندهای یک گویش در فرآیند معادل‌سازی واژه‌های زبان‌های امروزی کارا هستند. زبان فارسی امروز در طول تاریخ چون زبان‌های دیگر دچار تغییرات فراوانی شده‌است. فرهنگستان زبان و ادب فارسی در دوره اول و دوم با یافتن معادل‌هایی برای واژه‌های بیگانه عربی توانست معادل‌سازی خوبی در زبان فارسی ارائه دهد که امروز این واژه‌ها جزئی جدانشدنی از مکالمه‌های روزمره شده‌اند و دیگر کسی اصل واژه بیگانه را به یاد ندارد. اما چند سالی است که روند معادل‌سازی برای واژه‌های بیگانه از سوی فرهنگستان به گونه‌ای است که کاربران زبان فارسی کمتر از این معادل‌ها استفاده می‌کنند. علت چنین پدیده‌ای چیست؟ یکی از علت‌های این امر را می‌توان در فقدان جمع‌آوری و به‌کارگیری وندها و ریشه‌های زبان فارسی چون فارسی باستان، میانه، پهلوی و اوستایی دانست. گویش‌های ایرانی هر یک بازمانده قسمتی از روند تاریخی زبان‌های ایرانی است. بررسی گویش‌های ایرانی در بازیافت ریشه‌ها و وندهای زبان فارسی و به‌کارگیری در معادل‌سازی فارسی نقش بسزایی دارند.

گویش بختیاری از گویش‌های جنوب غربی ایران است که در منطقه‌ای در غرب و جنوب غربی ایران به آن صحبت می‌شود. این منطقه از غرب به رود دز و شهرستان‌های دزفول و شوش در استان خوزستان، از شمال به علی‌گودرز و درود در استان لرستان، از شرق به شهرکرد و بروجن در استان چهارمحال بختیاری و از جنوب به استان کهگیلویه و بویراحمد محدود می‌شود. بختیاری یکی از سه گونه اصلی زبان لری است که بین لری لرستانی در شمال و لری کهگیلویه و بویراحمد در جنوب قرار گرفته‌است. این گویش بازمانده فارسی میانه است، که خود بازمانده فارسی باستان است (طاهری، ۱۳۸۹). گویش بختیاری به دو گونه چهارلنگ و هفت‌لنگ تقسیم می‌شود. گویش بختیاری چهارلنگ از شرق به چاپلق، از شمال به گلپایگان و خوانسار و اصفهان، از جنوب به بختیاری هفت‌لنگ و از غرب به سیلاخور سفلی و لرستان محدود است (سرلک، ۱۳۸۱: ۱۱). لازم به ذکر است منطقه بختیاری و استان لرستان به سبب وجود کوه‌های مرتفع، گذرگاه‌های صعب‌العبور کمتر مورد هجوم دشمنان و بیگانگان بوده است و زبان مردم منطقه تقریباً بکر مانده است و در هر یک از روستاهای متعدد این استان مردم به گویش ویژه خود سخن می‌گویند.

از آنجایی که گویش بختیاری بازمانده فارسی میانه است، که خود بازمانده فارسی باستان است (طاهری، ۱۳۹۱: ۱۱۱)، می‌توان چنین قلمداد نمود که گویش بختیاری می‌تواند منبع غنی از ریشه‌ها و وندها برای واژه‌سازی زبان فارسی امروز نیز باشد. برخلاف وندهای تصریفی که نقش دستوری عبارات را تعیین

می‌کنند، وندهای اشتقاقی منجر به تشکیل واژه‌هایی با معنا و یا طبقه دستوری جدید می‌شوند (کاتامبا^۱ و استانم، ۲۰۰۷: ۴۶). در واقع وندهای اشتقاقی، وندهایی هستند که در فرآیند واژه‌سازی زبان‌ها دخیل‌اند. از این‌رو هدف از این پژوهش بررسی وندهای اشتقاقی گویش بختیاری چهارلنگ و مقایسه آن با زبان فارسی امروز است. هدف از این پژوهش پاسخ به این سوال است که در بررسی و مقایسه وندهای اشتقاقی گویش بختیاری چهارلنگ با زبان فارسی چند درصد انطباق، عدم انطباق و ارتباط معنادار وجود دارد؟

۲- پیشینه پژوهش

سرلک (۱۳۸۱) در کتاب خود با عنوان *واژه‌نامه گویش بختیاری چهارلنگ* به تألیف واژه‌نامه‌ای از گویش بختیاری پرداخته است. در این واژه‌نامه علاوه بر آوانگاری بین‌المللی و ذکر معادل برای کلمات بختیاری، تمام واژه‌ها نیز اعراب‌گذاری شده است.

طاهری (۱۳۸۵) در مقاله خود با عنوان «فعل در گویش بختیاری» به بررسی مباحثی مانند ساخت ماده‌های مضارع و ماضی، ساخت مصدر و صفت مفعولی، ادات فعلی، انواع فعل از نظر وجه، زمان، نمود و ساخت فعل مجهول، صفت فعل‌های خاص و تاثیر فرآیندهای آوایی در صرف فعل پرداخته است. عباسی سورجانی (۱۳۹۰) در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی زبان‌شناختی گویش بختیاری چهارلنگ» به بررسی شناختی این گویش پرداخته است. وی تفاوت بختیاری چهارلنگ و فارسی معیار را در سطح ساخت‌واژی می‌داند.

طاهری (۱۳۹۱) در مقاله‌ای ریشه‌شناسی ۴۴ واژه از گویش بختیاری را بررسی کرده است. در این پژوهش در مورد هر واژه، نخست بر پایه شواهد موجود در خود گویش، ساخت اشتقاقی واژه و دگرگونی آوای انجام‌گرفته بر روی آن توضیح داده شده است، سپس بر پایه برابر یا هم‌ریشه واژه در گویش‌ها و زبان‌های ایرانی و نیز زبان‌های هندی و اروپایی، به ریشه‌شناسی واژه و بازسازی صورت ایرانی باستان و هند و اروپایی آغازین آن پرداخته است.

رضایی و امانی بآبادی (۱۳۹۲) نمود دستوری در گویش بختیاری و انواع نمود دستوری، تظاهر واژه-نحوی آنها و تفاوت نمود در این گویش با زبان فارسی را بر اساس چارچوب نظری کامری (۱۹۷۶) بررسی کردند. آنها بر این باورند که ابزارهای بیان مقوله نمود در گویش بختیاری، شکل صرفی افعال در زمان‌های مختلف و افعال کمکی است. همچنین گویش بختیاری همانند زبان فارسی تمایز نمودی بین نمود ناقص، تام و کامل به صورت حضور و عدم حضور تکواژ قابل تشخیص است.

رضایی و شجاعی (۱۳۹۶) در پژوهشی تحت عنوان «برخی ویژگی‌های رده‌شناختی گویش بختیاری مسجدسلیمان» برخی از ویژگی‌های نحوی گویش بختیاری از جمله ترتیب سازه‌ها، ساخت ملکی، ساخت مجهول، نشانه مفعول، نشانه معرفه و ساخت صفت تفضیلی و عالی با توجه به انواع دسته‌بندی‌های زبان‌های دنیا در حوزه مطالعات رده‌شناختی را بررسی کردند. یافته‌های این پژوهش این امر را نشان

¹ Katamba, F.

² Stonham, J.

می‌دهند که در گویش بختیاری ساخت فعل مجهول علاوه بر کاربرد فعل کمکی از شیوه ساخت‌واژی نیز بهره می‌گیرد. همچنین در بیان ساخت مالکیت از روش مجاورت - یعنی بدون استفاده از هیچ تکواژی بین مالک و مملوک - استفاده می‌شود. به لحاظ ترتیب واژه‌ها، گویش بختیاری از ترتیب SOV در جمله تبعیت می‌کند. اگرچه سازه‌ها در جمله جابه‌جا می‌شوند و دارای انعطاف‌پذیری هستند. در این گویش ساخت صفت عالی دارای سه شیوه بوده که فرایند دوگانه‌سازی یکی از روش‌های رایج است. همچنین نشانه مفعول معرفه پسوند e- است. برای نشان دادن معرفگی از سه پسوند -ke، -ho و -e استفاده می‌شود. از پژوهش‌های غیرایرانی پیرامون گویش بختیاری می‌توان به لوریمر (۱۹۵۴، ۱۹۵۵)، ویندفور (۱۹۹۳)، مکینون (۲۰۱۱)، ژوکوفسکی (۱۳۹۶)، انونبای (۲۰۱۸) اشاره نمود.

۳- مبانی نظری

در علم زبان‌شناسی ساخت‌واژه به سیستم ذهنی اشاره دارد که شکل‌گیری واژه‌ها را در بر می‌گیرد و شاخه‌ای از علم زبان‌شناسی است که با ساختار درونی و شکل‌گیری واژه‌ها در ارتباط است (آرنف و فدمن^۱، ۲۰۱۱: ۲). هسپلمت^۲ و سیمس^۳ (۲۰۱۰: ۳-۲) دو تعریف از ساخت‌واژه ارائه می‌دهند یعنی «ساخت‌واژه مطالعه اصولی تغییر همگام صورت و معنی واژه‌ها است» و «ساخت‌واژه مطالعه ترکیب تکواژها برای تولید کلمات است».

در علم زبان‌شناسی تکواژ کوچکترین واحد زبانی است که یا دارای معنی است (هسپلمت و سیمس، ۲۰۱۰) و یا دارای نقش دستوری است (آرنوف و فدمن ۲۰۱۱). واژه‌ها را می‌توان به تکواژها تقطیع نمود. تکواژی که نمی‌شود آن را تقطیع نمود ریشه نامیده می‌شود. تکواژهایی وجود دارند که به تنهایی تظاهر ندارند و به تکواژ دیگری که بدان پایه و یا ستاک گویند، متصل می‌شوند. بدین عناصر وند گویند. وند ممکن است قبل از پایه (پیشوند)، بعد از پایه (پسوند)، در میان پایه (میانوند) و یا در دو بخش ابتدایی و انتهایی پایه (پیراوند) قرار گیرد. وندها علاوه بر جایگاه قرارگیری، به دو دسته اشتقاقی و تصریفی تقسیم می‌شوند. هسپلمت و سیمس (۲۰۱۰) تقابل وند اشتقاقی و تصریفی را به صورت جدول زیر نشان می‌دهند:

¹ LorrimerD.

² Windfuhr, G.

³ Mackinnon, C.

⁴ Zhukovski,

⁵ Anonby, E.

⁶ Aronoff, M.

⁷ Fudeman, K.

⁸ Haspelmath, M.

⁹ Sims, A.D.

تصرف	اشتقاق
با نحو در ارتباط است	با نحو در ارتباط نیست
اجباری در بیان مشخصه تصرفی است	اجباری در بیان مشخصه اشتقاقی نیست
محدودیت در اتصال به پایه ندارد	محدودیت در اتصال به پایه
مفهوم یکسان با پایه دارد	مفهوم جدید دارد
نسبتاً معنی انتزاعی دارد	نسبتاً معنی واقعی دارد
معنی ترکیبی دارد	معنی ترکیبی ندارد
در حاشیه پایه قرار می‌گیرد	به پایه نزدیکتر است
کمتر حالت تکواژگونی دارد	بیشتر حالت تکواژگونی دارد
طبقه واژگانی تغییر نمی‌دهد	بعضی اوقات طبقه واژگانی تغییر می‌دهد
زایا است	زایا نیست
نمی‌تواند تکرار شود	می‌تواند تکرار شود

جدول ۱- افتراق وند تصرفی و اشتقاقی (هسیلمث و سیمس، ۲۰۱۰: ۹۰)

بیرد (۲۰۰۱) سه نوع رویکرد اتخاذ شده پیرامون اشتقاق را بررسی کرد. ۱- اشتقاق به عنوان گزینش واژگانی، ۲- اشتقاق به عنوان عملیات صرفی، ۳- اشتقاق به عنوان روابط واژگانی. اشتقاق به عنوان گزینش واژگانی (تکواژ بنیاد) به عنوان نحو واژگانی شناخته می‌شود. از سردمداران این نوع رویکرد می‌توان به سیلکریک^۲ (۱۹۸۲)، لیبر^۳ (۱۹۹۳، ۱۹۸۲)، اسکالیس^۴ (۱۹۸۴)، اسپرات^۵ (۱۹۸۵) اشاره نمود. در این رویکرد به ساخت درونی سلسله مراتبی واژه اشاره شده است که اشتقاق به عنوان انتخاب یک وند و ترکیب آن با ریشه و یا پایه و ترکیب مجدد وند با پایه و در نتیجه ساخت واژه مطرح شده است (این امر به صورت سلسله مراتبی صوت می‌گیرد و بارها ممکن است وندها با پایه ترکیب شوند). در این رویکرد بر این اشاره شده است که ساخت واژه همانند سایر حوزه‌های زبان‌شناسی (نحو، واج‌شناسی و معناشناسی) دارای ساختار سلسله مراتبی است. رویکرد اشتقاق به عنوان عملیات صرفی (واژه بنیاد) توسط افرادی چون آرنوف (۱۹۷۶، ۱۹۹۴)، بیرد (۱۹۸۱) و اندرسون (۱۹۹۲) مطرح شده است. در این رویکرد اشتقاق به عنوان عملیاتی شناخته می‌شود که یک نمود دستوری و بخشی به عنوان تحلیل قوانین و در نهایت نمود آوایی دارد. از پیشگامان رویکرد اشتقاق به عنوان روابط واژگانی می‌توان به جکندوف (۱۹۷۵) و بیبی (۱۹۸۸) اشاره نمود. در این نگرش اشتقاق روابط واژی است که دارای انگاره‌های ثابت است.

¹ Beard
² Selkirk
³ Lieber
⁴ Scalise
⁵ Sproat

۴- روش پژوهش

روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای است. به صورتی که وندهای اشتقاقی گویش بختیاری چهارلنگ از کتاب «واژه‌نامه گویش بختیاری چهارلنگ» سرلک (۱۳۸۱) استخراج و با وندهای اشتقاقی زبان فارسی برگرفته از کتاب «ساخت اشتقاقی واژه در فارسی امروز» کلباسی (۱۳۸۷) مقایسه شده است. در صورتی که دو وند کاملاً منطبق باشند، انطباق در نظر گرفته شده است. اگر تفاوت دو وند فقط تفاوت آوایی باشد، ارتباط معنادار و اگر وندی در گویش بختیاری باشد، اما معادل آن در زبان فارسی نباشد و یا اگر وندی در گویش بختیاری دارای ترکیبی متفاوت نسبت به زبان فارسی باشد، عدم انطباق در نظر گرفته شده است. در ادامه معناداری =S، عدم انطباق =N و انطباق =C ارزش‌گذاری شده و با استفاده از برنامه SPSS درصد انطباق، عدم انطباق و معناداری از طریق تحلیل آماری و نمودار نشان داده شده است. لازم به ذکر است وندهایی که دارای دو حالت (مثلاً هم انطباق و هم معنی‌داری) است، در آمار کل، وند دوبر حساب شده است. این امر به این علت است که هر دو حالت یک وند در آمار مورد بررسی قرار گیرد و آمار منطقی ارائه شود.

۵- تحلیل داده‌ها

۱N	شروع کردن کتک زدن		vânâhâdan	vâ- ۱
۱C	وامانده، واژه	vâ	vâmanna, vâzyda	vâ- ۲
۱S	برچین برگرداندن برداشتن	bar	vorçin vorgardonnan vordâştan	vor- ۳
۲N	کلاویز شدن فرار دادن قه‌ر کردن		vorperidan vortronnan vorjoloqonnan	vor- ۴
۲C	در بند در رفتن درمانده	dar	darban dar raften darmonna	dar- ۵
۳N	گم کردن		darnâhâdan	dar- ۶
۲S	در آمدن در آوردن	dar	derowvendan derowverdan	der- ۷
۴N	بازپس	baz	vâdina	-vâ- ۸
۳C	بلهوس	bol	bolhavas	bol- ۹

۵N	زشت	belâ	belâjevin	belâ-	۱۰.
۴C	بلانست	belâ	belânesvat	belâ-	۱۱.
۵C	دشمن	doš	došmun	doš-	۱۲.
۳S	دشنام	doš	dešmun	deš-	۱۳.
۶C	لامذهب	lâ	lâmassav	lâ-	۱۴.
۶N	محل پذیری مردان		lâmerdun	lâ-	۱۵.
۷C	ناپرهیزی ناخوش نادان ناپیدا نازا	nâ	nâparizi nâxoš nâdun nâdiâri nâzâ	nâ-	۱۶.
۴S	بیچاره (نامراد)		nomerad	no-	۱۷.
۵S	ناشناس	nâ	mašnâs	ma-	۱۸.
۸C	همگی	ham	hamai	ham-	۱۹.
۶M	هم قد همدرد همسایه	ham	homqad homdard homsâi	hom-	۲۰.
۷N	تدارک، آماده		homgir	hom-	۲۱.
۹C	دانا	â	dunâ	-â	۲۲.
۷S	آمریکایی شیمیایی	â?i	amriko?i simiyo?i	-o?i	۲۳.
۸N	شکمو		gadaddâr	-dâr	۲۴.
۸S	مردار	dâr	mordâl	-âl	۲۵.
۱۰C	خریدار	âr	xaridar	-âr	۲۶.
۹N	پوشاک		pušen	-en	۲۷.
۹S	گردان ساریان غلتنان چوپان، گله بران	ân	gardun sârevun gelun bargelun	-un	۲۸.
۱۰N	چوبدستی ابزار اسب		gârun qošqun	-un	۲۹.
۱۱N	دهان گشاد خانواده پدری عروس		čilun bowun	-un	۳۰.

۱۰S	عروسانه انگشانه پیمانه روزانه	âne	ârisuna kelekuna peymuna ruzuna	۳۱. -una
۱۱C	عصبانی	âni	asvâni	۳۲. -âni
۱۱S	آفاتابه شانه	e	aftowva šuna	۳۳. -a
۱۲N	ابزاری برای شکستن پستانک نگهبان نان لواش		eška mek-meka pâyenna tonoka	۳۴. -a
۱۲S	قبرستان زمستان تابستان	estân	mezâressun zemessun towvessun	۳۵. essun
۱۳N	درد بسیار رعد و برق		zenešt qorommešt	۳۶. -ešt
۱۴N	پروانه فرفره		perperuk qerqeruk	۳۷. -uk
۱۳C	سوتک	ak	šitak	۳۸. -ak
۱۵N	هدهد نام گیاهی خودرو و ترش مزه. سوسک صحرایی ساقه رونده عنکبوت نام پرنده عصا قره‌ماش		seylemunak toršak čosenak dassak šeytunak qor-qorak kajak mâšak	۳۹. -ak
۱۳C	پولکی	aki	pulaki	۴۰. -aki
۱۳S	شورانندن	ân	šuronnan	۴۱. -on
۱۴S	فروشنده	ande	forušenna	۴۲. -enna
۱۶N	قشو مستراح دستی		qa: šow kenârow dassow tešni pennow	۴۳. -ow

	ورم گلو			
۱۷N	رم کننده مکان خاکستر تنور دارنده لب کلفت نیمه برهنه روده کوچک شَل		ram ramu xâkeštaru loču loxteru leqeru komeru	-u .۴۴
۱۴C	شکمو	u	ešgamu	-u .۴۵
۱۸N	پرخور		gadul	-ul .۴۶
۱۹N	بقچه کوچک انبان کوچک خیک کوچک کوزه سفالی کوچک و درگشاد		boččula jerkula xigula sinula	-ula .۴۷
۱۵S	غزغان، شیلان	an	qazqun sâyelun	-un .۴۸
۲۰N	گل آلود لَزَج ناگهانی ناز کردن		lenqi meleq meleqi qezâ-qurteki nâzâri	i .۴۹
۱۵C	همگی همسایگی گشنگی گردی گردی قیمتی	i	hamai hom-sâi gošnai gerdeli gonneli qeymati	-i .۵۰
۱۶S	کلوچه شیری غزغانچه	če	kuluča-šir qazqunča	-ča .۵۱
۲۱N	چرک سر نوزاد چند روزه پیش از شستشو		keverča	-ča .۵۲
N۲۲	تکّه تکّه سرخک		dâlenja serija	-ja .۵۳
N۲۳	کرمک		kermija	-ija .۵۴

۱۷S	باغبان	ban	baqvwun	-vun ۵۵
۱۶C	چرخچی	či	čarxči	-či ۵۶
۱۸S	چینه‌دان کاهدان سُرمه‌دان شیردان	dân	jedeldun kâdun sirmedun širdun	-dun ۵۷
۱۷C	گلزار	zâr	golzâr	-zâr ۵۸
۱۸M	بزغاله	qâle	bozqâla	-qâla ۵۹
۲۴N	داس کوچک		daqâla	-qâla ۶۰
۱۹S	آبگاه خوابگاه	gâh	owga xowga	-ga ۶۱
۱۹C	معامله‌گر	gar	mâmelagar	-gar ۶۲
۲۰S	ریسمان	mân	rismun	-mun ۶۳
۲۰C	غضبناک	nâk	qazavnâk	nâk ۶۴
۲۱C	برادروار	vâr	berârvar	-vâr ۶۵
۲۱S	گوشواره	vâre	gušvâra	-vâra ۶۶
۲۲C	جانور	var	junevar	-var ۶۷

جدول ۲- : مقایسه وندهای اشتقاقی گویش بختیاری چهارلنگ و زبان فارسی

انطباق ۲۲ = C عدم انطباق ۲۴ = N معنادار ۲۱ = S کل داده = ۶۷

در این بخش به تحلیل داده‌ها از طریق برنامه SPSS پرداخته شده‌است.

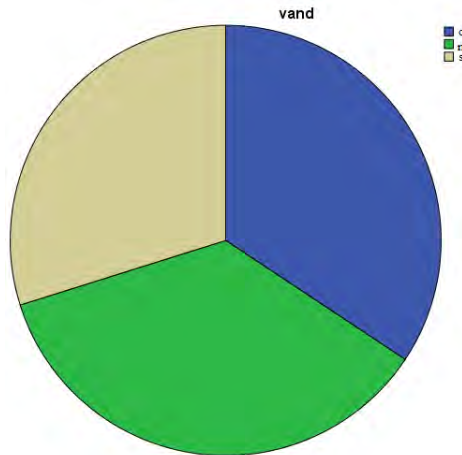
Statistics

vand

N	Valid	67
	Missing	0
Mode		2.00

vand

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	n	24	35/8	35/8	35/8
	c	22	32/9	32/9	64/2
	s	21	31.3	31.3	100.0
Total		67	100.0	100.0	



۶- نتیجه‌گیری

در پی پاسخ به پرسش پژوهش و مقایسه وندهای اشتقاقی گویش بختیاری چهارلنگ با زبان فارسی، ۳۵/۸ درصد عدم انطباق و ۳۲/۹ درصد انطباق و ۳۱/۳ درصد معناداری مشاهده شد و در انتها نموداری از عدم انطباق و انطباق و معناداری ارائه شد. لازم به ذکر است، اگر معناداری را نیز نوعی انطباق در نظر بگیریم، گویش بختیاری چهارلنگ ۶۴/۲ درصد با زبان فارسی در وندهای اشتقاقی انطباق دارد و ۳۵/۸ درصد انطباق ندارد. از این سو یافته‌ها نشان می‌دهند که ۳۵/۸ درصد از وندهای اشتقاقی گویش بختیاری چهارلنگ در زبان فارسی امروز مهجور گشته‌اند و این وندهای اشتقاقی می‌توانند در فرآیند واژه‌سازی کلمات جدید فارسی امروز در خور توجه قرار گیرند. لازم به ذکر است، اگرچه در این پژوهش به بررسی وندهای اشتقاقی گویش بختیاری چهارلنگ و مقایسه آن با وندهای اشتقاقی زبان فارسی پرداخته شده است، اما بررسی این امر، پژوهشی جامع می‌طلبد. از این رو، نگارنده برای سایر پژوهشگران پژوهشی جامع در این رابطه پیشنهاد می‌کند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- رضایی، والی و مریم امانی بآبادی (۱۳۹۲). «نمود دستوری در گویش لری بختیاری» *مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران*. ۱۵۷-۱۳۳۹. (۳): ۱-۳.
- رضایی، والی و فرخنده شجاعی (۱۳۹۶). «برخی ویژگی‌های رده‌شناختی گویش بختیاری مسجدسلیمان»، *پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی*، ۷(۱۳): ۱۶۷-۱۸۳.
- ژوکوفسکی، والتین آکسیویچ (۱۳۹۶). *موادی برای مطالعه گویش بختیاری*، ترجمه و اضافات: مریم شفق و سیدمهدی دادرس. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.

- سرلک، رضا (۱۳۸۱). *واژه‌نامه گویش بختیاری چهارلنگ*، تهران: نشر آنا.
- شقایق، ویدا (۱۳۹۴). *مبانی صرف*، تهران: انتشارات سمت.
- طاهری، اسفندیار (۱۳۸۵). «*فعل در گویش بختیاری*»، گویش‌شناسی، ۳(۱-۲): ۸۶-۱۰۶.
- طاهری، اسفندیار (۱۳۸۹). *گویش بختیاری کوه‌رنگ*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- طاهری، اسفندیار (۱۳۹۱). «*ریشه‌شناسی واژه‌هایی از گویش بختیاری، زبان‌ها و گویش‌های ایرانی*»، (۱): ۱۱۱-۱۳۸.
- عباسی سورجانی، ندا (۱۳۹۰). *بررسی زبان‌شناختی گویش بختیاری چهارلنگ*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه پیام نور.
- کلباسی، ایران (۱۳۸۷). *ساخت اشتقاقی واژه در فارسی امروز*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- Abbasi Soureshjani, Nada (2012). *A Study of Bakhtiyari Chahar-Lang Dialect*, M.A Thesis, Tehran: Payame noor university. (in Persian).
- Anonby, E. and A. Asadi (2018). *Bakhtiari Studies II: Orthography (Acta Universitatis Upsaliensis)*, Uppsala: Studia Iranica Upsaliensia.
- Beard, R. (2001). *The Handbook of Morphology*, UK: Blackwell.
- Haspelmath, M. and A. D. Sims (2010). *Understanding Morphology*, London: Arnold.
- Kalbasi, I. (2008). *The Derivational Structure of Word in Modern Persian*, Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies. (in Persian).
- Katamba, F. and J. Stonham (2007). *Morphology* UK: Macmillan Education.
- Lorimer, David Lockhart Robertson (1955). "The Popular Verse of the Bakhtiāri of S. W. Persia – II: Specimens of Bakhtiāri Verse". *BSOAS*, 17(1): 92-110.
- Lorimer, David Lockhart Robertson (1954). "The Popular Verse of the Bakhtiāri of S. W. Persia – I". *BSOAS*. 16 (3): 542-555.
- MacKinnon, C. (2011). "Lori Dialects" Online address: <http://www.iranicaonline.org/articles/lori-dialects>.
- Rezai, V. and M. Amani Babadi (2014). "Grammatical Aspect in Bakhtiari Lori", *Research in Western Iranian Languages and Dialects*, 1(3): 139-157. (in Persian).
- Rezai, V. and F. shojaee (2017). "Some Typological Characteristics of the Bakhtiyari Dialect of Masjed Soleyman", *Journal of Comparative Linguistic Researches*, 7(13): 167-183. (in Persian).

- Sarлак, R. (2002). *Dictionary of the Bakhtiari Dialect of Chahâr-Lang*, Tehran: Asar (in Persian).
- Tâheri, E. (2007). "Verb in Bakhtiari Dialect", *Dialectology*, 3(1-2): 86-106. (in Persian).
- Tâheri, E. (2000). *Kuhrang Bakhtiari Dialect*, Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies. (in Persian).
- Tâheri, E. (2012). "Etymology of words from Bakhtiari dialect", *Iranian Languages and Dialects*, 1: 111-138.
- Windfuhr, G. (1993). "Central Dialects". In E. Yarshater (Ed.), *Encyclopedia Iranica*. New York: Center for Iranian Studies, Columbia University.
- Yazdani, F. and F. Kazemi (2019). "Investigating Assimilation and Metathesis Processes in Mazandarani Language, Marzoun Kola Variety", *International Journal of Advanced Research (IJAR)*, 7(8), 806-812.

سازمان اسناد و کتابخانه ملی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی